



www.ketab.ir

دوباره با تو چای خواهم خورد

ماهییار مسلم

www.ketab.ir

سرشناسه	: مسلم، ماهیار.
عنوان و پدیدآور	: دوباره باتو چای خواهم خورد / ماهیار مسلم.
مشخصات نشر	: رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۱۵۹ ص.
شابک	: ۹۷۸۹۶۴-۱۹۰-۱۴۶-۴
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ د ۹ ۵۱۳ م / PIR ۴۱۹۰.
رده‌بندی دیویی	: ۸۰۸ / ۶۲۰۸
شماره کتاب‌خانه ملی	: ۱۹۶۸۳۲۸.



فرهنگ ایلیا

دوباره با تو چای خواهم خورد
ماهیار مسلم

چاپ نخست: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شماره‌ی نشر: ۲۹۷

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا

چاپ: راستین صحافی: کتیبه

همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۱۴۶-۲

نشر فرهنگ ایلیا، رشت، خیابان آزادگان.

جنب دبیرستان بهشتی (خ صفایی). خیابان حاتم، شماره ۴۹

تلفن: ۳۳-۳۲۴۴۷۳۲-۰۱۳۱ فکس ۳۲۲۱۸۲۸

www.nashreilia.com

۳۰۰۰ تومان

فهرست

- دیباچه / ۹
 شن باد زمان / ۱۷
 حصار / ۲۴
 تیوا / ۲۷
 دوباره با تو چای خواهم خورد / ۳۲
 باستان شناس / ۳۷
 حقیقت خیال / ۳۹
 حیرانی / ۴۰
 حال و هوا / ۴۲
 فرصت دوباره دوری / ۴۳
 وعده / ۴۹
 آمرداد / ۵۱
 خزانِ سُفالی / ۵۲
 یادمان به خیر / ۵۴
 چاوش / ۵۷
 شراب / ۵۹
 دزدانِ پُر هیاهو / ۶۱
 در وصفِ دوست داشتنِ تو / ۶۲
 میراث / ۶۴
 نجوا / ۶۷
 اراده‌ی نادیدن / ۶۹
 جامِ شوکران / ۷۰
 موعدِ پاسخ / ۷۳
 چکامه‌ی پریشان / ۷۶
 چکاد / ۷۸
 وصیت / ۸۰
 دریا / ۸۱
 آذرخش‌هایِ رهایی / ۸۳
 دوست‌ات می‌دارم / ۸۶
 پیشانیِ بلندِ جاده‌ها / ۸۸
 سرزمینِ فراموش شده / ۸۹
 شامِ آخر / ۹۱
 کوچه / ۹۵
 بی‌نیاز / ۱۰۲
 زادروزِ تو / ۱۰۳
 فروغ / ۱۰۵
 حادثه / ۱۰۶
 شکیبایی / ۱۰۸
 خروشِ خاموش / ۱۱۱
 قفس‌هایِ آهنین / ۱۱۵

افسانه دیگر کُن / ۱۳۶	دیوار سکوت / ۱۱۶
آونگ / ۱۴۰	آوار / ۱۱۷
پیداد / ۱۴۲	سفر عُسرت / ۱۱۹
روشن تر از پدید / ۱۴۸	نقطه‌ی پایان / ۱۲۱
سینه سُرخ / ۱۴۹	آرامشِ آشوب / ۱۲۲
دور از تو / ۱۵۰	نامیرا / ۱۲۳
چکه ۶ / ۱۵۱	بی‌محابا / ۱۲۴
خاموشی / ۱۵۲	گردش به چپ ممنوع / ۱۲۵
خلوت چهار پایه / ۱۵۳	بی‌مقدمه / ۱۲۷
هزاره‌های هذیانی / ۱۵۴	خُروس خوان / ۱۲۹
بودن یا نبودن / ۱۵۶	روزگار / ۱۳۱
	مانیفست / ۱۳۳

خاموش ترین کلام هاینده که توفان می‌زایند^۱.
فردریش نیچه

دیباچه

یکی از سهل و مُمتنع ترین کوشش های حوزه‌ی اندیشه‌ورزی همانا نگارش دیباچه بر اثر خود یا دیگری است. بسیاری از اهل قلم را باور این است که دیباچه در اثر بیش از آن که کارکردی روشنگرانه و راهبردی را در برگیرد تنها رویکردی فُومالیستی و فرمایشی را فرصت حضور می‌دهد چه ایشان را اعتقاد بر این است که نویسنده در اثر خود هر آنچه خواسته یا توانسته را نگاشته و بازگفتنِ کرده‌ها و گفتارهای مُفَصَّل در نگاره‌ای مُجمل و بر شمرده‌ن آهم آنچه اعم از مصائب و توفیقات در جریانِ آفرینش تا ارایه اثر بر روی رفته است چندان ضرورتی در ساحت بیان نمی‌یابد.

به هر روی و با هر نگرش آنچه قطعی می‌نماید این است که خوش آمد یا بد آمد نگارش دیباچه در افهام اهل اندیشه و قلم نه می‌بایست از ضرورت وجودی نوشتن دیباچه در آستانه‌ی اثر بکاهد و نه بیش از حدود حقیقی‌اش بر قدر آن بیفزاید که دیباچه در یک امکانِ تأثیرگذار که البته می‌تواند برجسته‌ترین ویژگیِ چیستا شناختی‌اش را نیز دربرگیرد منوط به این که نگارنده کلک اندیشه اش را از جوهرِ راستی

حیات بخشیده باشد، حکم شناسنامه را بر پیشانی اثر ایفا می‌کند و از این نگرگاه اهل نظر را در گزینش اثر یاری می‌دهد.

بگذریم به تأمل که رسالت این دیباچه به هیچ روی پرورش دیباچه‌ای دیگر به کالبد خویش در باب فلسفه‌ی وجودی و نقش پیش نوشتار در اثر نیست که خود به رسم مألوف و البته مطلوب تنها مقدمه‌ای است بر آستانِ اثری.

کوشیدم تا دیگر بار در عالم هنر فرصتی را به بار بنشینم تا از این رهگذر به قدر همت و وسع خویش و البته مهمتر از آن امکان بخشی شرایط بازدارنده‌ی عالم واقع، شماری از سروده‌هایم که همانا تجلی تمامیت پیدا و پنهانم در هم آغوشی بی‌ریای واژه‌ها بود را در هیأتی هدفمند ارایه نمایم.

اثر حاضر از فراز دیگر تجربه‌ی کارنامه‌ام سر برمی‌آورد. تجربه‌ی کامکار اثری گروهی که پنج پاره‌اش نام نهادیم. کاروندی گزیده از سروده‌هایمان.

دوباره با تو چای خواهم خورد، نیز چون هم تبارِ خویش پنج پاره کوشیده است تا علاوه بر اینکه اندیشه گنان عذیمتی رسانا به ساحات نهان داشته باشد اما در جذبه‌ی شورانگیز عالم شامشهود باطن و دل مسحوری تام و سرگشته‌ای اختیار از کف داده به شمار نرود و در یک خودآگاهی هدفمند به عیان در حال جریان پیرامون نیز - هرچند در پرده - توجهی آگاهانه و نگاهی بیدار داشته باشد. از همین رهگذر است که آن چه کنون در پیش روی شما قرار دارد تصویرگرِ خروشی خاموش و آرامشی مُعترض است. برگزیده از مدار و هم و هوش سپرده به حقیقت، در گذار به آرمان و خیال.

از این روی مرا اعتقاد بر این است که شعر تصویری شگفت و بی‌هدف و یا پرواز مقولات و خیالات صرف به قلمرو غیرواقع نیست که سخنی است که در عین مهبیا کردن گفتنی‌ها، ناگفتنی‌ها را نیز آن گونه که هست به جهان می‌آورد.^۲

همواره در تلاش بوده‌ام که در آرا و آثارم علی‌رغم حجم‌های مکرر مصائب و موانع گوناگون به مانیفست خود در آفرینش‌ها و پژوهش‌های هنری‌ام سخت وفادار باشم و حتی آنی از آنچه اصول خویش دانسته‌ام خراج نگردم. هنری که جز‌دگرایی و تعهد اجتماعی - تاریخی در عین توجه به درون ساخت‌های زیبایی‌شناختی و خیال‌انگیز را قدر می‌نهد بر صدر می‌نشانند و در مسیر روشن‌اش پویان و استوار ره می‌پویند همچنانکه مارتین هیدگر - فیلسوف و شاعر آلمانی در یکی از اشعار خود با عنوان طبق تجربه‌ی تفکر (Aus der Erfahrung des Denkens) که به انگاره‌های بنیادین جریان فکری نگارنده پهلوی می‌زند می‌سراید:

«... شعر بودن / که به تازگی آغاز شده همانا انسان است / ...
خصلت شاعرانه‌ی اندیشه / همچنان پوشیده است / ... ولی شعری
که می‌اندیشد به راستی / هندسه‌ی بودن است / این هندسه به بودن
می‌گوید / از کجایی حضور واقعی بودن»^۳.

در نظر نگارنده شعر ناب تبلور تفکر و احساس مثبتی بر اصالت است و بر این باورم که در این مقطع از تاریخ جهان نخست می‌بایست پیام‌وریم که «آفرینش شعر، همان فکر کردن است»^۴. اندیشیدن در باب آنچه پیشتر بر شمرده گشت و نیز هر آنچه که بتواند در سیر تاریخ آدمی را حَظِّ معناگرایانه افزون‌تری در فهم راستین حقایق پیدا و پنهان

بخشد. همچنانکه در گفتگوی دانا با میثوی خرد هنگام که پرسیده می‌شود خرد بهتر است یا هنر، میثوی خرد در مقام پاسخ آشکار می‌نماید که هنر بی‌بهره از خرد رانه شایست هنر شمرده^۵.

اثر حاضر برآیند چنین بینشی است. همچنانکه فردریک هلدلرلین در یکی از اشعارش که در پاسخ به دوست شاعرش هاینس در باب به چه کار آمدن شاعران در زمانه‌ی عسرت سروده است و قانون حاکم بر شاعران را بیان می‌کند:

«یک چیز محکم می‌ایستد / چه نزدیکِ ظهر باشد / یا نزدیکِ نیمه شب / یک حدِ همواره برای همگان باقی است. با این وصف به هر کس حد او اختصاص یافته / هریک از ما به مکانی می‌رود و می‌رسد که می‌تواند»^۶.

در فرجام این نوشتار شایسته به قدردانی است احساس حضور عمیق و بی‌دریغ هنرمند پیشرو و آگاه سرکار خانم فرزانه شجاعی که در روند پژوهش‌های باستان‌شناختی و جستارها و آفرینش‌های هنری‌ام، همواره از دیرباز حامی و همراه بوده‌اند و با همفکری‌های ارزشمندشان در تسریع روند کیفی مجموع فعالیت‌های علمی و هنری، سخت مرا و امداد محبت خویش گردانیده‌اند. همچنین از دوست فکور و دانشورم، جناب آقای دکتر بزرگمهر (امیر) مرادی که همواره مشوقی آگاه و آزاداندیش در جریان فعالیت‌های هنری‌ام بوده‌اند نیز سپاسی ویژه دارم. از دوستان ادیب و گرانمایه‌ام جناب آقای دکتر سعید گلناری و سرکار خانم لیلا محمدپور که در ویرایش نهایی کتاب همواره با مهربانی بسیار پذیرای پرسش‌های گاه و بی‌گاه من بوده‌اند نیز قدردانی می‌نمایم. نیز از گروه فهم انتشارات فرهنگ

ایلیا که با پیشنهادات سازنده‌شان در ارایه هرچه مُتقح‌تر آثارم از گذشته تاکنون مرا یاری رسانیده‌اند کمال سپاس را ابراز می‌دارم. امید که یکایک این فرزندگان همواره بر مُنتهای همتِ خویش کامران گردند.

ماهیار مسلم

تهران. مهرگان ۱۳۸۹

پی‌نوشت‌ها

۱. بیچه، فردریش. چنین گفت زرتشت. برگردان: داریوش آشوری، آگه، تهران، ۱۳۴۹.

۲. هیدگر، مارتین، شعر زبان و اندیشه رهایی، برگردان: عباس منوچهری، انتشارات مولی، ج ۱، تهران، ۱۳۸۱.

۳. با تلخیص از مقاله‌ی منشأ اثر هنری (The Origin of the Work of Art) مارتین هیدگر که مشتمل بر سه سخنرانی است که در سال ۱۹۳۶ میلادی با عنوان (Der Ursprung des Kunstwerkes) ارایه شد و در مجموعه مقالاتی با عنوان (Holzwege) راه‌های آشنا در سال ۱۹۵۰ میلادی به چاپ رسید.]

۳. رک توضیحات شماره ۲.

همچنین بررسی آثار مارکس، نیچه، لوکاج، آدورنو، برشت و بنیامین در زمینه هنر و ابعاد آن در راستای مبحث مورد نظر شایان به توجه می‌باشد. به عنوان نمونه کتاب‌های ذیل با مشخصات کتاب‌شناسی:

● The Birth of Tragedy, W. Kaufmann, New York, 1966/F. Nietzsche

● S. S. Prawer, Karl Marx and World Literature, Oxford UP, 1978.

● جورج. جورج لوکاج، برگردان: ع. فولادوند، تهران، ۱۳۷۲.

● گامبریج. تاریخ هنر. برگردان: ع. رامین، تهران، ۱۳۷۹.

● رافائل. سه پژوهش در جامعه‌شناسی هنر، برگردان: ا. معصوم بیگی،

تهران، ۱۳۷۹.

۴. رک منبع شماره ۲. برگرفته از مقاله‌ی هیدگر با عنوان «چرا شاعران» (Wozu Dichter) که در سال ۱۹۴۶ میلادی در طی یک سخنرانی آرایه کرد و بعدها در مجموعه‌ی مقالات «راه‌های آشنا» (Holzwage) منتشر گشت.

۵. مینوی خرد. برگردان: احمد تفضلی، نشر توس، چ ۴، تهران، ۱۳۸۵ (با تخلص از بخش پرسش [خرد و هنر])

۶. رک منبع شماره ۲. با تلخیص از صفحه ۹۲. برگرفته از یکی از اشعار فردریک هلدلین. «میز رجوع کنده به گفتارهای هیدگر درباره‌ی هلدلین در کتاب:

● M. Heidegger, *Approch de Holderlin*, tra. H. Corbin, M. Deguy, F. Fedier, J. Launay, Paris, 1962 (1973)